



دانشگاه پیام نور

گزیده نکات مدیریتی در نهج البلاغه

(رشته مدیریت اجرایی)

گردآوری و تدوین: دکتر لطف‌الله فروزنده

افتخارالسادات نوابی نژاد

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ و ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و کمک درسی (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید مواد و تجهیزات آموزشی

فهرست

هفت	مقدمه
یازده	آشنایی با نهج البلاغه
۱	فصل اول. انسان و کاربرد باورها و اعتقادات وی در مدیریت
۴۱	فصل دوم. اعتقاد و باور به خدا (خدا باوری)
۵۷	فصل سوم. آخرت گرایی
۶۷	فصل چهارم. سیره و اخلاق رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)
۶۹	بخش اول: سیره و اخلاق رسول اکرم (ص)
۷۴	بخش دوم: ویژگی امامت و امام علی (ع)
۸۵	بخش سوم: حکومت عدل امام زمان (عج)
۹۱	فصل پنجم. آیین حکومت داری، حکومت و مدیریت
۱۰۵	فصل ششم. ضرورت ها و ارزش ها
۱۳۳	فصل هفتم. اخلاق اجتماعی و سیاسی مدیران
۱۳۵	بخش اول. اخلاق اجتماعی و سیاسی مدیر
۱۵۵	بخش دوم. آزمایش های الهی
۱۶۳	فصل هشتم. ارتباط، هدایت و رهبری
۱۶۵	بخش اول. ارتباطات و روش های آن
۱۷۹	بخش دوم. هدایت و رهبری
۱۹۳	بخش سوم. منشور اخلاقی مدیریت اسلامی
۱۹۷	فصل نهم. عدل و عدالت
۱۹۹	بخش اول. عدالت
۲۱۱	بخش دوم. قدرت
۲۱۵	فصل دهم. نظارت و کنترل
۲۴۱	فصل یازدهم. هدف گذاری و ذکر و یادآوری خداوند
۲۵۳	پیوست ها
۲۸۹	منابع و مأخذ

مقدمه

یکی از مباحث مهم بشریت اصول و روش‌های مدیریت است. هر ملتی در سایه مدیریت کارآمد و پویا، سعادت واقعی را به دست خواهد آورد. مباحث مدیریت جدید پس از تجارب فراوانی بر پارادایم افزایش سود و تولید در دنیای مادی شکل گرفت. علی‌رغم موفقیت‌ها، امروز جهان غرب از بُعد معنوی و انسانی دچار معضلات و مشکلات عدیده‌ای است که توصیف آن حوصله دیگری را می‌طلبد.

آنچه باعث شد مدیریت غرب با این مشکلات مواجه شود نگاه یک بعدی و مادی به انسان و اهداف و خواسته‌های اوست. انسان موجودی دو بُعدی است که بُعد معنوی آن نسبت به بُعد مادی اصالت دارد.

حضرت آیت‌الله مصباح یزدی در این رابطه می‌گوید: روشن است که علمای اسلام «علاوه بر بُعد مادی انسان به جنبه غیر مادی او نیز اعتقاد دارند و برای انسان علاوه بر جسم او روحی خدایی قائلند.» اصلاً بحث در گرایش الهی، روح انسان است.^۱

لزوم طرح مباحث انسان‌شناسی در مدیریت، از این جهت است که در مدیریت ارزش‌های انسانی مطرح می‌شود و این ارزش‌ها باید پایه‌های منطقی و فلسفی داشته باشد.

ارتباط ارزش‌های اسلامی با رفتار انسانی در مدیریت بررسی می‌شود. پس لازم

۱. پیش نیازهای مدیریت اسلامی، مصباح یزدی، ص ۴۵.

است که ریشه‌های ارزش‌ها و کیفیت تأثیر آن در رفتار و در سطحی عالی و عمیق شناخته شود. باید ملاک ارزش‌ها را بشناسیم تا نحوه اعمال آنها را در مدیریت بدانیم. مهمترین نقشی که اسلام در نظریه‌ها و هم چنین در روش‌های عملی مدیریت ایفا می‌کند از طریق تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت است.

اسلام دارای نظام ارزشی عمیق و گسترده و منسجمی است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در روش‌های عملی آنها تأثیر می‌گذارد و به حرکت آنها جهت می‌دهد.

شناخت ابعاد مدیریت اسلامی با استفاده از منابع قرآن، سنت و سیره پیامبر(ص) و ائمه اطهار (ع) به‌ویژه نهج‌البلاغه علی (ع) یک ضرورت است.

مدیریت از مباحث مهم جامعه اسلامی است که تبیین آن با رویکرد اسلامی و بر مبنای ارزشی زمینه رشد و پویایی جامعه را فراهم خواهد کرد.

پیامبر اکرم (ص) در اهمیت مدیریت فرمود: «کسی که متولی امور ده نفر بشود باید اندیشه ۴۰ نفر را داشته باشد و کسی که مسئولیت اداره ۴۰ نفر را به عهده بگیرد باید عقل و اندیشه ۴۰۰ نفر را دارا باشد.» (نهج الفصاحه، ص ۵۷۳).

حضرت امیر(ع) در همین ارتباط فرمود: «پرچم مدیریت و فرماندهی را بر دوش نمی‌کشد مگر کسی که صاحب بصیرت و مقاومت و آگاه به موضع و مسائل حق باشد.»

شهید مطهری در خصوص عظمت نهج‌البلاغه می‌نویسد:

«اخیراً جهان اسلام دارد نهج‌البلاغه را کشف می‌کند و به تعبیر دیگر، نهج‌البلاغه جهان اسلام را فتح می‌کند. چیزی که مایه حیرت است این است که قسمتی از محتوای نهج‌البلاغه را چه در کشور شیعه ایران و چه در کشورهای عربی اولین بار بی‌خداها و یا با خداهای غیرمسلمان کشف کردند و در اختیار توده مردم مسلمان قرار دادند.»

سپس می‌نویسد: «اکنون دو کار لازم در مورد نهج‌البلاغه در پیش است، یکی غور و تعمق در نهج‌البلاغه است، تا مکتب علی در مسائل مختلف و متنوعی که در نهج‌البلاغه است دقیقاً روشن شود که جامعه اسلامی سخت بدان نیازمند است. دیگر تحقیق در اسناد و مدارک نهج‌البلاغه.» (مجموعه آثار، جلد ۱۶، ص ۳۵۱)

شهید مطهری در خصوص مباحث حکومتی در نهج‌البلاغه چنین می‌گوید: از

جمله مسائلی که در نهج البلاغه فراوان در مورد آن بحث شده است، مسائل مربوط به حکومت و عدالت است. (مجموعه آثار جلد ۱۶ ص ۴۳۰)

هر کس که یک دوره نهج البلاغه را مطالعه کند، می بیند که علی (ع) درباره حکومت اسلامی و عدالت حساسیت خاصی دارد و اهمیت و ارزش فراوانی برای آنها قائل است. (همان منبع، ص ۴۳۱)

بر همین اساس در این مجموعه با استفاده از ترجمه ارزشمند نهج البلاغه توسط مرحوم محمد دشتی برخی عناوین مربوط به مدیریت را تعیین و با همکاری و همراهی دانشجویان درس مدیریت اسلامی مقطع کارشناسی ارشد M.B.A و با همت و تلاش مستمر سرکار خانم افتخار السادات نوابی نژاد این مجموعه جمع آوری و تنظیم گردید. بر خود لازم از دقت همکار و کارشناس گرامی مدیریت تولید مواد و تجهیزات آموزشی، جناب آقای عباس گرشاسبزاده، که این مجموعه را ویراستاری و مقابله کرده اند تشکر و قدردانی نماییم. در ضمن با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع سعی شد ترجمه فارسی خطبه یا نامه یا حکمت مربوط به هر مبحث را طرح نموده و برخی نکات مدیریتی آن استخراج گردد.

امید است این کار انگیزه‌ای برای همه دانشجویان و علاقه‌مندان به مباحث مدیریت اسلامی ایجاد کند که در منابع اسلامی به‌ویژه کتاب ارزشمند نهج البلاغه تحقیق و جستجو کنند انشاء... مدل مدیریت اسلامی به‌طور کامل شناخته و تدوین گردد.

لطف الله فروزنده

آشنایی با نهج البلاغه

«نهج البلاغه» عنوان کتابی است که در فرهنگ اسلامی، مانند آفتاب نیمروز می‌درخشد و همچون صدفی مشحون به گوهرهایی از حکمت عالی است.^۱ این عنوان را شریف رضی بر منتخبی از خطبه‌ها و مواعظ، نامه‌ها و عهدنامه و کلمات کوتاه و قصار امیرمؤمنان علی(ع) انتخاب کرد.^۲ «نهج البلاغه» یعنی راه روشن بلاغت چرا که گردآورنده آن (شریف رضی) در وجه تسمیه این گنجینه گرانقدر چنین اظهار داشته است: «پس از تمام شدن، چنین دیدم که نامش را نهج البلاغه بگذارم، زیرا این کتاب درهای بلاغت و سخنوری را به روی بیننده خود می‌گشاید و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد. هم دانشمند و دانشجو را بدان نیاز است و هم مطلوب سخنور و پارسا در آن وجود دارد.»^۳

شریف رضی مناسب‌ترین عنوان را برای این کتاب جاویدان برگزیده.

شریف محمد عبده — عالم بزرگ اهل سنت — در مقدمه خود بر شرح نهج البلاغه نوشته است.

«این کتاب جلیل، مجموعه‌ای است از سخنان سید مولای ما، امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه) که سیدشریف رضی از سخنان متفرق آن حضرت، گزینش و گردآوری کرده و نام آن را نهج البلاغه نهاده است. من اسمی مناسب‌تر و شایسته‌تر از این، که بر معنای آن دلالت کند، سراغ ندارم و بیشتر از آن چه این اسم بر

۱. در پیرامون نهج البلاغه، شهرستانی، سید هبة الله، ترجمه سید عباس میرزاده اهری، ص ۱۹.

۲. مصادر نهج البلاغه و اسانیده، السیدالزهرء الحسینی الخطیب، ج ۱، ص ۸۷.

۳. نهج البلاغه، مقدمه، ص ۳۶.

آن دلالت دارد نمی‌توانم آن را توصیف کنم.^۱

شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: «سیدرضی شیفته سخنان علی(ع) بوده است. او مردی ادیب و شاعر و سخن‌شناس بود ... سیدرضی به خاطر همین شیفتگی که به ادب عموماً و به کلمات علی(ع) خصوصاً داشته، بیشتر از زاویه فصاحت و بلاغت و ادب به سخنان مولی می‌نگریسته است. به همین جهت در انتخاب آن‌ها این خصوصیت را در نظر گرفته است، یعنی آن قسمت‌هایی که از جنبه بلاغت برجستگی خاصی داشته، بیشتر نظرش را جلب می‌کرده است. از این رو، نام مجموعه منتخب خویش را نهج البلاغه نهاده است.»^۲

موضوع‌شناسی نهج البلاغه

تنوع موضوعی نهج البلاغه به گونه‌ای است که می‌توان فهرست‌های مفصلی بالغ بر ده‌ها جلد از موضوعات گوناگون نهج البلاغه تهیه کرد. نهج البلاغه از نظر مضامین موضوعی، به شدت متأثر از قرآن کریم است. قرآن کریم مجموعه‌ای است از معارف حقیقی درباره خدا، انسان، هستی، جامعه و تاریخ و در آن بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها، روش‌ها، کنش‌ها و گویش‌ها تبیین شده است.

نهج البلاغه به تبع قرآن کریم، کتابی است که در آن بینش‌ها و نگرش‌های اصیل و حقیقی در رابطه با عالم و آدم، خالق عالم و آدم تبیین شده است و بیانگر گرایش‌ها و تعلق‌ها و ریشه‌یابی تعلق‌های انسانی و تلاش برای راهنمایی آدمیان به تعلق صحیح است که موجب سعادت و عزت این جهانی و فلاح و رستگاری آن جهانی مردمان می‌شود.

نهج البلاغه به تبع قرآن کریم، بیانگر ارزش‌ها و ضدا ارزش‌ها و راهنمایی انسان و جوامع انسانی به ارزش‌های الهی انسانی و نشان دادن روش‌ها و خط مشی‌های درست برای رساندن انسان و جوامع به مقصد و مقصود و دور کردن آنان از به‌کارگیری روش‌های باطل و فرو غلطیدن در راه‌های نادرست است. این کتاب مجموعه‌ای است تربیتی که همه وجوه تربیتی انسان و جوامع انسانی را دربردارد و کنش‌ها و گویش‌های آدمیان را به سامانی مطلوب درمی‌آورد. تعالیم نهج البلاغه راهی است برای شکوفایی استعداد‌های انسان در جهت کمال مطلق.

۱. شرح نهج البلاغه، محمد عبده، ج ۱، ص ۱۲-۱۳

۲. سیری در نهج البلاغه، مرتضی مطهری، ص ۴-۵

نهج‌البلاغه مجموعه‌ای است از ۱. بحث‌های توحیدی و معارف حقیقی، ۲. مباحث نبوت و هدایت الهی، ۳. معرفی جامعیت اسلام و فهم درست آن و تبیین هندسه صحیح اسلام، ۴. ارائه نظامنامه رهبری و سیاست و مدیریت و حکومت و عدالت ... و هزاران موضوع اصلی و فرعی دیگر با بیانی بدیع و لطیف.

روش‌شناسی در نهج‌البلاغه

در این روش، موضوعی خاص، مورد نظر قرار می‌گیرد و به نهج‌البلاغه عرضه می‌شود و کلیه مطالبی که مستقیم و یا غیرمستقیم، موضوع مورد نظر را تبیین می‌کند، استخراج می‌شود و پس از بررسی دسته‌بندی می‌شود و سپس جمع‌بندی آن مطالب ارائه می‌شود. بدین ترتیب، مباحث مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، انتقادی و جز این‌ها می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

از مزیت‌های این روش آن است که بحث کمتر دچار پراکندگی می‌شود و یک کل‌نگری نسبت به موضوع مورد بررسی حاصل و جوانب مختلف یک امر لحاظ می‌شود و تبیینی کامل در رابطه با آن صورت می‌پذیرد. در این روش می‌توان به نظریات امام(ع) درباره موضوعی خاص، یا سیره آن حضرت در مواردی مشخص دست یافت.

در این روش سخنان امام(ع) که در مواضع گوناگون بیان شده است، یکدیگر را معنا می‌کند و جهت صحیح را در برداشت از نهج‌البلاغه نشان می‌دهد، زیرا نهج‌البلاغه پیکری واحد است که سراسر آن هماهنگ و ابتدا و انتهای آن یکسان است و همه آن از سرچشمه‌ای زلال جوشیده و نازلات یک روح است و به تمامی دارای یک سبک و طرز و از نظر سیاق و بافت و منطق یکپارچه است.^۱ این ویژگی نهج‌البلاغه زمینه لازم را برای مراجعه موضوعی و مطرح کردن درد و مشکل و گرفتن درمان و راه حل آماده ساخته است. توجه به محدودیت‌های زمانی و موضوعی در روش‌های ترتیبی^۲ و تجزیه‌ای^۳، روش موضوعی از جنبه‌های مختلف و کارا و مفید است. از مزیت‌های آن این است که با رعایت مقدمات و آداب، مانع برداشت‌های نادرست می‌شود. البته باید در نظر داشت که روش موضوعی، بی‌نیاز از دو روش دیگر نیست و آن روش‌ها به‌عنوان

۱. شرح نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، ص ۱۲۸-۱۲۹

۲. یعنی بررسی ترتیبی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها از ابتدای نهج‌البلاغه تا انتهای آن

۳. یعنی بخشی از نهج‌البلاغه، یا برخی از خطبه‌ها، نامه‌ها و یک حکمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ابزارهایی اساسی، این روش را مدد می‌دهند.

برای تحقیق موضوعی، می‌توان بر اساس گام‌های زیر عمل کرد:

۱. انتخاب موضوع ۲. طرح مسأله ۳. تعیین واژه‌های کلیدی ۴. مأخذشناسی موضوع
۵. استخراج مطالب از نهج‌البلاغه ۶. عنوان دادن به مطالب ۷. دسته‌بندی مطالب
۸. بررسی و تحقیق مطالب ۹. شرح و تحلیل مطالب ۱۰. ارزیابی و استنتاج ۱۱. تنظیم مطالب ۱۲. نگارش مطالب.

بر این سیاق، آثاری وجود دارند و تلاش‌هایی مفید صورت گرفته و تألیفاتی درباره موضوعات معرفتی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی، تاریخی، اقتصادی، مدیریتی و جز این‌ها در نهج‌البلاغه انجام شده است که از آن جمله می‌توان به ترجمه ارزشمند مرحوم محمد دشتی از نهج‌البلاغه مولای متقیان حضرت علی(ع) اشاره کرد.

شیوه کار در جمع‌آوری کتاب حاضر

ابتدا به همان شکل و شیوه ترجمه و فهرست موضوعی نهج‌البلاغه مرحوم دشتی با توجه به رعایت سرفصل‌های مدیریت اسلامی صورت گرفته است و پس از ارتباط با موضوع، قطعاتی از خطبه‌ها، نامه‌ها و مقداری از کلمات قصار و حکمت‌ها گزینش شده است.

این مجموعه در جهت هدف‌های زیر تدوین شده است:

۱. آشنایی با نهج‌البلاغه و چگونگی تألیف و ساختار آن
۲. آشنایی با چند مبحث موضوعی از نهج‌البلاغه در ارتباط با مدیریت اسلامی.
۳. آشنایی با نوع نگرش به مباحث گوناگون در نهج‌البلاغه و توانایی این اثر در راه‌گشایی در موضوعات مختلف.

امیدواریم جمع‌آوری این اثر راه را برای تحقیق و مطالعه بیشتر دانشجویان عزیز در کتاب جاودانه نهج‌البلاغه — که به حق آن را «اخ‌القرآن» نامیده‌اند — بگشاید و با به کار بستن رهنمودهای آن در زندگی فردی و اجتماعی خود، حیاتی سرشار از نشاط و معنویت و خداجویی و حق‌طلبی داشته باشد.

فصل اول

انسان و کاربرد باورها و اعتقادات وی در مدیریت

مقدمه

شناخت ابعاد وجودی انسان در کانون اندیشه بشری یکی از دغدغه‌ها بوده است. در آموزه‌های ادیان الهی، شناخت انسان پس از خداشناسی بیشترین اهمیت را دارا است. بسیاری از مشکلات جهان معاصر به علت عدم شناخت انسان نسبت به خویشتن است. عدم شناخت ابعاد معنوی و غیرمادی انسان، بشر امروز را دچار بحران‌های جدی کرده است. توجه به ساحت وجودی انسان و منحصر نکردن او به جسم و مادیات و توجه به ابعاد روحی انسان او را به اندیشه جاودانگی و زندگی پس از مرگ سوق می‌دهد. مسئله هدف آفرینش، جهان‌بینی، سعادت انسان، تکامل و پیشرفت واقعی از سؤالات جدی هر بشری است.

اگر انسان صرفاً موجودی مادی و محصول فرایند تکامل کور زیست محیطی باشد، زندگی او تصادفی و پوچ و بی‌معنا خواهد بود. درحالی‌که اگر انسان مخلوق خدا و خلیفه او در زمین باشد، آفرینش امری هدفمند و زندگی دارای جهتی خاص خواهد بود. از این رو، انسان‌شناسی به گونه‌ای مستقیم بر معناداری زندگی تأثیر دارد.

از آنجایی که موضوع اصلی مدیریت «انسان» است لذا بحث در خصوص مدیریت، مرتبت بر شناخت انسان است در واقع شناخت انسان از جهاتی پیش‌نیاز مدیریت است. مدیریت متضمن بایدها و نبایدهایی در رفتار فردی و اجتماعی و سازمانی افراد است این باید و نبایدها در قالب ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی افراد مطرح می‌شود لذا بر مبنای باورها و اعتقادات افراد، اصول و سبک مدیریت اسلامی براساس نوع «نگاه

اسلام به انسان» شکل خواهد گرفت. شهید مطهری در خصوص نگاه اسلام به انسان می‌گوید: (مجموعه آثار، جلد ۲، ص ۲۶۸-۲۶۹)

- انسان خلیفه خدا در زمین است. (سوره انعام / ۱۶۵)
- ظرفیت علمی انسان بزرگترین ظرفیت‌هایی است که یک مخلوق ممکن است داشته باشد. (سوره بقره / ۳۱-۳۲)

- او فطرتی خدا آشنا دارد و به خدای خویش در عمق وجدان خویش آگاهی دارد. همه افکارها و تردیدها، بیماری‌ها و انحراف‌ها ناشی از سرشت اصلی انسان است؛ (سوره اعراف / ۱۷۲)

- در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد عنصری ملکوتی وجود دارد.

- انسان ترکیبی از طبیعت و ماوراء طبیعت از مادی و معنی از جسم و جان است. (سجده / ۹-۷)

- آفرینش انسان، آفرینشی حساب شده است، انسان موجودی انتخاب شده و برگزیده است. (طه / ۱۲۱)

- او شخصیتی مستقل و آزاد دارد، امانتدار خداست، رسالت و مسئولیت دارد، از او خواسته شده است با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را انتخاب کند. (سوره دهر / ۲ و ۳)

- او از یک کرامت ذاتی و شرافت ذاتی برخوردار است. او آنگاه خویشتن واقعی خود را درک و احساس می‌کند که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را برتر از پستی‌ها و اسارت‌ها و شهوت‌رانی‌ها بشمارد (موضوع اسراء / ۷۰)

- او از وجدانی اخلاقی برخوردار است، به حکم الهی فطری، زشت و زیبا را درک می‌کند. (سوره شمس / ۹ و ۸)

- او جز با یاد خدا با چیز دیگر آرام نمی‌گیرد. خواسته‌های او بی‌نهایت است، به هر چه برسد از آن سیر و دلزده می‌شود مگر آنکه به ذات بی‌حد و نهایت «خدا» بیوندد. (موضوع رعد / ۲۸)

- نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده است. (سوره بقره / ۲۹)
- او را برای این آفرید که تنها خدای خویش را پرستش کند و فرمان او را بپذیرد، پس

- او وظیفه‌اش اطاعت امر خداست. (سوره ذاریات/۵۶)
- او جز در راه پرستش خدای خویش و جز با یاد او خود را نمی‌یابد، و اگر خدای خویش را فراموش کند، نمی‌داند که کیست و برای چیست و چه باید کند و کجا باید برود. (موضوع سوره حشر/۱۹)
- او همینکه از این جهان برود و پرده تن که حجاب چهره جان است دور افکنده شود، بسی حقایق پوشیده که امروز بر او نهان است بر وی آشکار می‌گردد (موضوع سوره ق/۲۲۹)
- او تنها برای مسائل مادی کار نمی‌کند، یگانه محرک او حوایج مادی زندگی نیست، او احیاناً برای هدف‌ها و آرمان‌های بس متعالی می‌جنگد و می‌جوشد، او ممکن است که از حرکت و تلاش خود جز رضای آفریننده، مطلوبی دیگر نداشته باشد (سوره توبه/۷۲)

اهداف رفتاری

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل با مفاهیم زیر آشنا شوند:
۱. براساس خطبه ۱ با استعدادهای و امکانات و ظرفیت‌های انسان آشنا شوند.
 ۲. با شگفتی‌های آفرینش انسان آشنا شوند.
 ۳. با عظمت پروردگار (براساس مفاد خطبه ۱۵۹) آشنا شوند.
 ۴. با علل سقوط انسان‌های آلوده آشنا شوند.
 ۵. با عوامل انحراف انسان در خطبه ۲۸ آشنا شوند.
 ۶. با عوامل هدایت انسان در خطبه ۸۳ آشنا شوند.
 ۷. با مبانی فکری و اخلاقی انواع انسان‌های فاسد آشنا شوند.
 ۸. با ویژگی و فضایل امام علی (ع) براساس خطبه ۷ آشنا شوند.
 ۹. رابطه اعتقاد به معاد و ساده‌زیستی انسان را توضیح دهند.
 ۱۰. براساس خطبه ۶۴ با هدف خلقت انسان آشنا شوند.

شناخت ابعاد وجودی انسان

خداوند از اسرار پنهانی مردم و از نجوای آنان که آهسته سخن می‌گویند و از آنچه که

در فکرها به واسطه گمان خطور می‌کند و تصمیم‌هایی که به یقین می‌پیوندند، و از نگاه‌های رمزی چشم، آگاه است.

اجل به عنوان نگهبان برای انسان‌ها کفایت می‌کند.

در خطبه ۱ حضرت علی (ع) با ذکر فرایند آفرینش انسان، به امکاناتی مانند ابعاد جسمی و روحی کامل، نیروی اندیشه و تفکر، قدرت تشخیص حق از باطل، حواس پنج‌گانه، مجموعه‌ای از نیروهای متضاد، جایگاه امن و توبه اشاره دارد و فلسفه عنایت این امکانات را به سرانجام آزمایش الهی دانسته است که همانا بندگی و عبادت خالص خداوند است.

خطبه ۱- آغاز آفرینش آسمان و...

سپس خداوند بزرگ، خاکی از قسمت‌های گوناگون زمین، از قسمت‌های سخت و نرم، شور و شیرین، گرد آورد، آب بر آن افزود تا گلی خالص و آماده شد، و با افزودن رطوبت، چسبناک گردید، که از آن، اندامی شایسته، و عضوهایی جدا و به یکدیگر پیوسته آفرید. آن را خشکانید تا محکم شد، خشکاندن را ادامه داد تا سخت شد، و تا زمانی معین، و سرانجامی مشخص، اندام انسان کامل گردید، آنگاه از روحی که آفرید در آن دمید تا به صورت انسانی زنده درآمد، دارای نیروی اندیشه، که وی را به تلاش اندازد، و دارای افکاری که در دیگر موجودات، تصرف نماید. به انسان اعضاء و جوارحی بخشید، که در خدمت او باشند، و ابزاری عطا فرمود، که آن‌ها را در زندگی به کار گیرد، قدرت تشخیص به او داد تا حق و باطل را بشناسد، و حواس چشایی، و بویایی، و وسیله تشخیص رنگ‌ها، و اجناس مختلف در اختیار او قرار داد. انسان را مخلوطی از رنگ‌های گوناگون، و چیزهای همانند و سازگار، و نیروهای متضاد، و مزاج‌های گوناگون، گرمی، سردی، تری، و خشکی، قرار داد. سپس از فرشتگان خواست تا آنچه در عهده دارند انجام دهند، و عهده‌ی را که پذیرفته‌اند وفا کنند، اینگونه که بر آدم سجده کنند، و او را بزرگ بشمارند، و فرمود: «بر آدم سجده کنید پس فرشتگان همه سجده کردند جز شیطان» غرور و خود بزرگ‌بینی او را گرفت، و شقاوت و بدی بر او غلبه کرد، و به آفرینش خود از آتش افتخار نمود، و آفرینش انسان از خاک را پست شمرد، خداوند برای سزاوار بودن شیطان به خشم الهی، و برای کامل شدن

آزمایش، و تحقق وعده‌ها، به او مهلت داد و فرمود: «تا روز رستاخیز مهلت داده شدی.» سپس خداوند آدم را در خانه‌ای مسکن داد که زندگی در آن گوارا بود، جایگاه او را امن و امان بخشید، و او را از شیطان و دشمنی او ترسانند، پس شیطان او را فریب داد. بدان علت که از زندگی آدم در بهشت و همنشینی او با نیکان حسادت ورزید. پس آدم(ع) یقین را به تردید، و عزم استوار را به گفته‌های ناپایدار شیطان فروخت، و شادی خود را به ترس تبدیل کرد، که فریب خوردن برای او پشیمانی آورد، آنگاه خدای سبحان در توبه را بر روی آدم گشود، و کلمه رحمت، بر زبان او جاری ساخت، و به او وعده بازگشت به بهشت را داد، و آدم را به زمین، خانه آزمایش‌ها و مشکلات، فرود آورد، تا ازدواج کند، و فرزندانی پدید آورد، و خدای سبحان از فرزندان او پیامبرانی برگزیند.

در خطبه ۸۳، فلسفه زندگی انسان به‌طور مشروح بیان می‌شود، انسان بایستی براساس این ارزش‌ها و نگاه به انسان، اصول و سبک مدیریت خود را انتخاب کند از مهمترین ارزش‌های مورد تأکید حضرت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. انتخاب راه صحیح که همانا راه انبیاء و پیامبران است.
۲. به دنبال رضایت الهی باشد.
۳. گوی سبقت در نیکوکاری را از یکدیگر ببرایند.
۴. اندیشه و تفکر در شناخت خداوند بنماید.
۵. تأکید بر عقل و تدبیر در امور داشته باشد.
۶. خودداری از گناه و توبه کردن را مد نظر داشته باشد
۷. به وعده‌های الهی یقین داشته باشد
۸. تهذیب نفس و فروتنی و تواضع را پیشه کند.
۹. به آخرت‌گرایی توجه داشته باشد.
۱۰. شکرگذار نعمت‌های الهی با زبان و در عمل باشد
۱۱. از گذشتگان عبرت گیرد.
۱۲. از فرصت محدود زندگی به‌ویژه دوران جوانی استفاده برد.
۱۳. تقوا و ترس از خدا را پیشه کند و همواره به یاد خدا و مرگ و قیامت باشد.
۱۴. برای نزدیک شدن به خدا در انجام واجبات بکوشد.
۱۵. از سرمستی و غرور بپرهیزد.

توجه به این نکات، مدیر را به سمت خود کنترلی هدایت می‌کند و رسول درونی مدیر را به سمت تلاش و کوشش برای خدمت هرچه بیشتر به سایرین و نیز رشد و بالندگی مادی و معنوی سازمان سوق می‌دهد و نگاه فردی و منافع شخصی را فدای نگاه و اهداف سازمان خواهد کرد.

خطبه ۸۳- خطبه غرّا

وصف احوال بندگان خدا. بندگان که با دست قدرتمند خدا آفریده شدند، و بی‌اراده خویش پدید آمده، پرورش یافتند، سپس در گهواره گور آرمیده متلاشی می‌گردند، و روزی به تنهایی سر از قبر برمی‌آورند، و برای گرفتن پاداش به دقت حسابرسی می‌گردند، در این چند روزه دنیا مهلت داده شدند تا در راه صحیح قدم بردارند، راه نجات نشان داده شده تا رضایت خدا را بجویند، تاریکی‌های شک و تردید از آنها برداشته شد، و آنها را آزاد گذاشته‌اند تا برای مسابقه در نیکوکاری‌ها خود را آماده سازند، تا فکر و اندیشه خود را به کار گیرند و در شناخت نور الهی در زندگانی دنیا تلاش کنند.

مثل‌های پندآموز (سمبل‌های تقوا). وه! چه مثال‌های بجا، و پندهای رسایی وجود دارد، اگر در دل‌های پاک بنشینند، و در گوش‌های شنوا جای گیرند، و با اندیشه‌های مصمم و عقل‌های با تدبیر برخورد کند. پس از خدا چونان کسی پروا کنید که سخن حق را شنیده و فروتنی کرد، گناه کرد و اعتراف نمود، ترسید و به اعمال نیکو پرداخت، پرهیز نمود و پیش تاخت، یقین پیدا کرد و نیکوکار شد، پند داده شد و آن را بگوش جان خرید، او را ترساندند و نافرمانی نکرد، به او اخطار شد و به خدا روی آورد، پاسخ مثبت داد و نیایش و زاری کرد، بازگشت و توبه نمود، در پی راهنمایان الهی رفت و پیروی کرد، راه نشان دادند و شناخت، شتابان به سوی حق حرکت کرده و از نافرمانی‌ها گریخت، سود طاعت را ذخیره کرد، و باطن را پاکیزه نگاه داشت، آخرت را آبادان و زاد و توشه برای روز حرکت، هنگام حاجت و جایگاه نیازمندی، آماده ساخت، و آن را برای اقامتگاه خویش، پیشاپیش فرستاد. ای بندگان خدا! برای هماهنگی با اهداف آفرینش خود، از خدا پروا کنید، و آنچنان که شما را پرهیز داد از مخالفت و نافرمانی خدا بترسید، تا استحقاق وعده‌های خدا را پیدا کنید، و از بیم روز

قیامت بر کنار باشید

راه‌های پندپذیری (راه‌های شناخت). خدا گوش‌هایی برای پند گرفتن از شنیدنی‌ها، و چشم‌هایی برای کنار زدن تاریکی‌ها، به شما بخشیده است، و هر عضوی از بدن را اجزا متناسب و هماهنگ عطا فرموده تا در ترکیب ظاهری صورت‌ها و دوران عمر با هم سازگار باشند، با بدن‌هایی که منافع خود را تأمین می‌کنند، و قلب‌هایی که روزی را به سراسر بدن با فشار می‌رسانند، و از نعمت‌های شکوهمند خدا برخوردارند، و در برابر نعمت‌ها شکرگزارند، و از سلامت خدادادی بهره‌مندند. مدت زندگی هر یک شماها را مقدر فرمود، و از شما پوشیده داشت، و از آثار گذشتگان عبرت‌های پندآموز برای شما ذخیره کرد، لذت‌هایی که از دنیا چشیدند، و خوشی‌ها و زندگی راحتی که پیش از مرگ داشتند، سرانجام دست مرگ گریبان آن‌ها را گرفت و میان آن‌ها و آرزوهایشان جدایی افکند، آن‌ها که در روز سلامت چیزی برای خود ذخیره نکردند، و در روزگاران خوش زندگی عبرت نگرفتند. آیا خوشی‌های جوانی را جز ناتوانی پیری در انتظار است؟ و آیا سلامت و تندرستی را جز حوادث بلا و بیماری در راه است؟ و آیا آنان که زنده‌اند جز فنا و نیستی را انتظار دارند؟ با اینکه هنگام جدایی و تپش دل‌ها نزدیک است که سوزش درد را چشیده، و شربت غصه را نوشیده، و فریاد یاری خواستن برداشته، و از فرزندان و خویشاوندان خود، درخواست کمک کرده است. آیا خویشاوندان! می‌توانند مرگ را از او دفع کنند؟ و آیا گریه و زاری آنها نفعی برای او دارد؟

عبرت از مرگ. او را در سرزمین مردگان می‌گذارند، و در تنگنای قبر تنها خواهد ماند، حشرات درون زمین، پوستش را می‌شکافند، و خشت و خاک گور بدن او را می‌پوسانند، تندبادهای سخت آثار او را نابود می‌کند، و گذشت شب و روز، نشانه‌های او را از میان برمی‌دارد، بدن‌ها پس از آن همه طراوت متلاشی می‌گردند، و استخوان‌ها بعد از آن همه سختی و مقاومت، پوسیده می‌شوند و ارواح در گرو سنگینی بار گناهانند، و در آنجاست که به اسرار پنهان یقین می‌کنند، اما نه بر اعمال درستشان چیزی اضافه می‌شود و نه از اعمال زشت می‌توانند توبه کنند.

آیا شما فرزندان و پدران و خویشاوندان همان مردم نیستید؟ که بر جای پای آن‌ها قدم گذاشته‌اید؟ و از راهی که رفتند می‌روید؟ و روش آن‌ها را دنبال می‌کنید؟ اما

افسوس که دل‌ها سخت شده، پند نمی‌پذیرد، و از رشد و کمال باز مانده، و راهی که نباید برود می‌رود، گویا آن‌ها هدف پندها و اندرزها نیستند و نجات و رستگاری را در به دست آوردن دنیا می‌دانند. بدانید که باید از صراط عبور کنید، گذرگاهی که عبور کردن از آن خطرناک است، با لغزش‌های پرت کننده، و پرتگاه‌های وحشت‌زا، و ترس‌های پیاپی.

معرفی الگوهای پرهیزکاری. از خدا چون خردمندی بترسید که دل را به تفکر مشغول داشته، و ترس از خدا بدنش را فرا گرفته، و شب زنده داری خواب از چشم او ربوده، و به امید ثواب گرمی روز را با تشنگی گذرانده، با پارسایی شهوت را کشته، و نام خدا زبانش را همواره به حرکت درآورده، ترس از خدا را برای ایمن ماندن در قیامت پیش فرستاده، از تمام راه‌ها جز راه حق چشم پوشیده، بهترین راهی که انسان را به حق می‌رساند می‌پیماید، چیزی او را مغرور نساخته، و مشکلات و شبهات او را نابینا نمی‌سازد، مژده بهشت، و زندگی کردن در آسایش و نعمت سرای جاویدان و ایمن‌ترین روزها، او را خشنود ساخته است. با بهترین روش از گذرگاه دنیا عبور کرده، توشه آخرت را پیش فرستاده، و از ترس قیامت در انجام اعمال صالح پیش قدم شده است، ایام زندگی را با شتاب در اطاعت پروردگار گذرانده، و در فراهم آوردن خشنودی خدا با رغبت تلاش کرده، از زشتیها فرار کرده، امروز رعایت زندگی فردا نموده، و هم اکنون آینده خود را دیده است. پس بهشت برای پاداش نیکوکاران سزاوار و جهنم برای کیفر بدکاران مناسب است، و خدا برای انتقام گرفتن از ستمگران کفایت می‌کند، و قرآن برای حجت آوردن و دشمنی کردن، کافی است.

هشدار از دشمنی شیطان. سفارش می‌کنم شما را به پروا داشتن از خدا، خدایی که با ترساندن‌های مکرر، راه عذر را بر شما بست، و با دلیل و برهان روشن، حجت را تمام کرد، و شما را پرهیز داد از دشمنی شیطانی که پنهان در سینه‌ها راه می‌یابد، و آهسته در گوش‌ها راز می‌گوید، گمراه و پست است، وعده‌های دروغین داده، در آرزوی آنها به انتظار می‌گذارد، زشتی‌های گناهان را زینت می‌دهد، گناهان بزرگ را کوچک می‌شمارد، و آرام آرام دوستان خود را فریب داده، راه رستگاری را بر روی دربند شدگانش می‌بندد، و در روز قیامت آنچه را که زینت داده انکار می‌کند، و آنچه را که آسان نموده، بزرگ می‌شمارد، و از آن چه که پیروان خود را ایمن داشته بود سخت

می‌ترساند.

شگفتی‌های آفرینش انسان. مگر انسان، همان نطفه و خون نیم بند نیست؟ که خدا او را در تاریکی‌های رحم و غلاف‌های تو در تو، پدید آورد؟ تا به صورت جنین درآمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگتر و بزرگتر شده تا نوجوانی رسیده گردید، سپس او را دلی فراگیر، و زبانی گویا، و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت‌ها را درک کند، و از بدی‌ها بپرهیزد، و آنگاه که جوانی در حد کمال رسید، بر پای خویش استوار ماند، گردنکشی آغاز کرد، و روی از خدا بگرداند، و در بیراهه گام نهاد، در هواپرستی غرق شد، و برای به دست آوردن لذت‌های دنیا تلاش فراوان کرد، و سرمست شادمانی دنیا شد، هرگز نمی‌پندارد مصیبتی پیش آید! و براساس تقوا فروتنی ندارد، ناگهان سرمست و مغرور در این آزمایش چند روزه، مرگ او را می‌رباید، او را که در دل بدبختی‌ها، اندکی زندگی نموده، و آنچه را که از دست داده عوضی به دست نیاورده است، و آنچه از واجبات را که ترک کرد، قضایش به جا نیاورده، که درد مرگ او را فرا گرفت، روزها در حیرت و سرگردانی، و شب‌ها با بیداری و نگرانی می‌گذارند.

عبرت از مرگ. هر روز به سختی درد می‌کشد، و هر شب رنج و بیماری به سراغش می‌رود، در میان برادری غمخوار، و پدری مهربان و ناله‌کننده‌ای بی‌طاقت و بر سینه کوبنده‌ای گریان افتاده است، اما او در حالت بیهوشی و سکر مرگ، و غم و اندوه بسیار، و ناله دردناک، و درد جان‌کندن، با انتظاری رنج‌آور، دست به گریبان است، پس از مرگ او را مایوس وار در کفن پیچانده، در حالی که تسلیم و آرام است، برمی‌دارند، و بر تابوت می‌گذارند. خسته و لاغر به سفر آخرت می‌رود، که فرزندان و برادران او را بدوش کشیده تا سرمزل غربت، آنجا که دیگر او را نمی‌بینند، و آنجا که جایگاه وحشت است، پیش می‌برند. اما هنگامی که تشییع‌کنندگان بروند و مصیبت‌زدگان باز گردند، در گودال قبر نشانده، برای پرستش حیرت‌آور، و امتحان لغزش‌زا، زمزمه غم آلود دارد. و بزرگترین بلای آنجا، فرود آمدن در آتش سوزان دوزخ و برافروختگی شعله‌ها و نعره‌های آتش است، که نه یک لحظه آرام گیرد تا استراحت کند، و نه آرامشی وجود داد که از درد او بکاهد، و نه قدرتی که مانع کیفر او شود، نه مرگی که او را از این همه ناراحتی برهاند، و نه خوابی که اندوهش را برطرف

سازد، در میان انواع مرگ‌ها و ساعت‌ها مجازات گوناگون گرفتار است، به خدا پناه می‌بریم.

خطبه ۸۵- در توحید و موعظه

ضرورت پندپذیری. ای بندگان خدا! از عبرت‌های سودمند پند پذیرید، و از آیات روشنگر عبرت آموزید. و از آنچه با بیان رسا شما را ترسانده، پرهیزید، و از یادآوری‌ها و اندرزها سود ببرید، آن چنان که گویا چنگال مرگ در پیکر شما فرو رفته، و رشته آرزوها و دلبستگی‌ها قطع گردیده و سختی‌های مرگ و آغاز حرکت به سوی قیامت به شما هجوم آورده است. آن روز که «همراه هر کسی گواه و سوق‌دهنده‌ای است» سوق دهنده که تا صحنه رستاخیز او را می‌کشاند، و شاهدهی که بر اعمال او گواهی می‌دهد.

خطبه ۱۶۰- در بیان عظمت پروردگار

خداشناسی. فرمان خدا قضای حتمی و حکمت، و خشنودی او مایه امنیت و رحمت است، از روی علم، حکم می‌کند و با حلم و بردباری می‌بخشاید. خدایا! سپاس تو راست بر آنچه می‌گیری، و عطا می‌فرمایی، و شفا می‌دهی یا مبتلا می‌سازی، سپاسی که تو را رضایت بخش‌ترین، محبوب‌ترین، و ممتازترین باشد، سپاسی که آفریدگانت را سرشار سازد، و تا آنجا که تو بخواهی تداوم یابد، سپاسی که از تو پوشیده نباشد، و از رسیدن به پیشگاهت باز نماند، سپاسی که شمارش آن پایان نپذیرد، و تداوم آن از بین نرود. خدایا! حقیقت بزرگی تو را نمی‌دانیم، جز آنکه می‌دانیم تو زنده‌ای و احتیاج به غیر نداری، خواب سنگین یا سبک تو را نمی‌رباید، هیچ اندیشه‌ای به تو نرسد و هیچ دیده‌ای تو را ننگرد، اما دیده‌ها را تو می‌نگری، و اعمال انسان‌ها را شماره فرمایی، و قدم‌ها و موی پیشانی‌ها (زمام امور همه) به دست تو است، خدایا آنچه را که از آفرینش تو می‌نگریم، و از قدرت تو به شگفت می‌آییم و بدان بزرگی قدرت تو را می‌ستاییم، بسی ناچیزتر است در برابر آنچه که از ما پنهان، و چشم‌های ما از دیدن آن‌ها ناتوان، و عقل‌های ما از درک آنها عاجز است، و پرده‌های غیب میان ما و آن‌ها گسترده می‌باشد.

راه‌های خداشناسی. پس آن کس که دل را از همه چیز تهی سازد، و فکرش را به کار گیرد، تا بداند که: چگونه عرش قدرت خود را برقرار ساخته‌ای؟ و پدیده را

چگونه آفریده‌ای؟ و چگونه آسمان‌ها و کرات فضایی را در هوا آویخته‌ای؟ و زمین را چگونه بر روی امواج آب گسترده‌ای؟ نگاهش حسرت زده، و عقلش مات و سرگردان، و شنوایش آشفته، و اندیشه‌اش حیران می‌ماند.

خطبه ۱- عجز انسان از شناخت ذات خدا

عجز انسان از شناخت ذات خدا سپاس خداوندی که سخنوران از ستودن او عاجزند، و حسابگران از شمارش نعمت‌های او ناتوان، و تلاشگران از ادای حق او درمانده‌اند، خدایی که افکار ژرف‌اندیش، ذات او را درک نمی‌کنند و دست غواصان دریای علوم به او نخواهد رسید. پروردگاری که برای صفات او حد و مرزی وجود ندارد، و تعریف کاملی نمی‌توان یافت و برای خدا وقتی معین، و سرآمدی مشخص نمی‌توان تعیین کرد. مخلوقات را با قدرت خود آفرید، و با رحمت خود بادهای را به حرکت درآورد و به وسیله کوه‌ها اضطراب و لرزش زمین را به آرامش تبدیل کرد.

دین و شناخت خدا. سرآغاز دین خداشناسی است، و کمال شناخت خدا، با باور داشتن او؛ و کمال باور داشتن خدا، شهادت به یگانگی اوست و کمال توحید اخلاص، و کمال اخلاص خدا را از صفات مخلوقات جدا کردن است.

خطبه ۱۴۴- علل سقوط انسان‌های آلوده

(شناساندن گمراهان و خبر از ستمکاری عبدالملک مروان) دنیای زودگذر را برگزیدند، و آخرت جاویدان را رها کردند، چشمه زلال را گذاشتند و از آب تیره و ناگوار نوشیدند، گویا فاسق آن‌ها را می‌نگرم که با منکر و زشتی‌ها یار است (عبدالملک مروان) و با آن انس گرفته و همنشین می‌شود تا آنکه موی سرش در گناهان سفید گشته و خلق و خوی او رنگ گناه و منکر گیرد، در چنین حالی، کف بر لب به مردم یورش آورد، چونان موج خروشان که از غرق کردن هر چیز باکش نباشد، یا شعله‌ای که تر و خشک را بسوزاند و همه چیز را خاکستر کند.

اندرزهای جاودانه. کجایند، عقل‌های روشنی خواه از چراغ هدایت؟ و کجایند چشم‌های دوخته شده بر نشانه‌های پرهیزکاری؟ کجایند دل‌های به خدا پیش‌کش شده و در اطاعت خدا پیمان بسته؟ افسوس که دنیاپرستان بر متاع پست دنیا هجوم آوردند،

و برای به دست آوردن حرام یورش آورده یکدیگر را پس زدند، نشانه بهشت و جهنم برای آنان برافراشته، اما از بهشت رویگردان و با کردار زشت خود به طرف آتش روی آوردند، پروردگارشان آنان را فرا خواند اما پشت کرده، فرار نمودند، و شیطان آنان را دعوت کرد، پذیرفته به سوی او شتابان حرکت کرده‌اند.

خطبه ۲۸- عوامل انحراف انسان

همانگونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای خدا عمل می‌کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید. آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند، و نه مانند آتش جهنم، که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند. آگاه باشید! آن کس را که حق، منفعت نرساند، باطل به او زیان خواهد رساند، و آن کس که هدایت، راهنمایش نکند، گمراهی او را به هلاکت افکند. آگاه باشید! به کوچ کردن فرمان یافته و برای جمع‌آوری توشه آخرت راهنمایی شدید، همانا، وحشتناک‌ترین چیزی که بر شما می‌ترسم، هواپرستی، و آرزوهای دراز است، پس از این دنیا توشه بگیرید تا فردا خود را با آن حفظ نمایید. (اگر سخنی بتواند مردم را به آخرت گرایي و زهد و تقوا بکشاند همین سخن امام است که می‌تواند انسان را از آرزوها جدا کرده و نور امید را در دل‌ها زنده سازد و انسان را نسبت به زشتی‌ها بیزار کند. از جمله‌های شگفت این خطبه آن است که فرمود امروز روز تمرین و فردا روز مسابقه، و جایزه برندگان بهشت است و کیفر عقب ماندگان آتش جهنم خواهد بود در این خطبه معانی ارزشمند در قالب مثل‌های گویا و تشبیهات صحیح جاگرفته است. امام بین دو لفظ (السبقه) و (الغایه) به خاطر اختلاف معنا فاصله انداخته است زیرا سبقت گرفتن در مسابقاتی است مورد علاقه انسان است و این از صفات بهشت است و در راهی که به آتش جهنم می‌انجامد به‌کار گرفته نمی‌شود از این رو فرمود: السبقه الجنه اما واژه الغایه به معنای پایان در هر مسابقه استعمال می‌شود همانگونه که در قرآن خدا به کافران فرماید از دنیا بهره گیر که پایان شما به سوی آتش است در این خطبه دقت کنید که معنایی ژرف و عمقی دست‌نیافتنی دارد.)

خطبه ۸۸- در بیان هلاکت مردم

عوامل هلاکت انسان‌ها. پس از ستایش پروردگار! خدا هرگز جباران دنیا را در هم نشکسته مگر پس از آنکه مهلت‌های لازم و نعمت‌های فراوان بخشید، و هرگز استخوان شکسته ملتی را بازسازی نفرمود مگر پس از آزمایش‌ها و تحمل مشکلات، مردم! در سختی‌هایی که با آن روبرو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذاردید، درس‌های عبرت فراوان وجود دارد، نه هر که صاحب قلبی است خردمند است، و نه هر دارنده گوش‌ی شنو است، و نه هر دارنده چشمی بینا است. در شگفتم، چرا در شگفت نباشم؟! از خطای گروه‌های پراکنده با دلایل مختلف که هر یک در مذهب خود دارند! نه گام بر جای گام پیامبر (ص) می‌نهند، و نه از رفتار جانشین پیغمبر پیروی می‌کنند، نه به غیب ایمان می‌آورند و نه خود را از عیب برکنار می‌دارند، به شبهات عمل می‌کنند و در گرداب شهوات غوطه‌ورند، نیکی در نظرشان همان است که می‌پندارند، و زشتی‌ها همان است که آن‌ها منکرند. در حل مشکلات به خود پناه می‌برند، و در مبهمات تنها به رای خویش تکیه می‌کنند، گویا هر کدام، امام و راهبر خویش می‌باشند که به دستگیره‌های مطمئن و اسباب محکمی که خود باور دارند چنگ می‌زنند.

نکته. با توجه به مفاد خطبه‌های فوق می‌توان دلایل هلاکت مردم را چنین بیان

کرد:

۱. عبرت نگرفتن از گذشته
۲. عدم ایمان به غیب
۳. در گرداب شهوات فرو رفتن
۴. تکیه بر رای و نظر خویش داشتن (خودرایی)

خطبه ۸۳/۵- عوامل هدایت انسان

وصف احوال بندگان خدا. بندگان آنی که با دست قدرتمند خدا آفریده شدند، و بی‌اراده خویش پدید آمده، پرورش یافتند، سپس در گهواره گور آرمیده متلاشی می‌گردند، و روزی به تنهایی سر از قبر برمی‌آورند، و برای گرفتن پاداش به دقت حسابرسی می‌گردند، در این چند روزه دنیا مهلت داده شدند تا در راه صحیح قدم بردارند، راه نجات نشان داده شده تا رضایت خدا را بجویند، تاریکی‌های شک و تردید از آنها

برداشته شد، و آنها را آزاد گذاشته‌اند تا برای مسابقه در نیکوکاری‌ها خود را آماده سازند، تا فکر و اندیشه خود را به کار گیرند و در شناخت نور الهی در زندگانی دنیا تلاش کنند. وه! چه مثال‌های بجا، و پندهای رسایی وجود دارد، اگر در دل‌های پاک بنشیند، و در گوش‌های شنوا جای گیرد، و با اندیشه‌های مصمم و عقل‌های با تدبیر برخورد کند. پس از خدا چونان کسی پروا کنید که سخن حق را شنیده و فروتنی کرد، گناه کرد و اعتراف نمود، ترسید و به اعمال نیکو پرداخت، پرهیز نمود و پیش تاخت، یقین پیدا کرد و نیکوکار شد، پند داده شد و آن را به گوش جان خرید، او را ترساندند و نافرمانی نکرد، به او اخطار شد و به خدا روی آورد، پاسخ مثبت داد و نیایش و زاری کرد، بازگشت و توبه نمود، در پی راهنمایان الهی رفت و پیروی کرد، راه نشان دادند و شناخت، شتابان به سوی حق حرکت کرده و از نافرمانی‌ها گریخت، سود طاعت را ذخیره کرد، و باطن را پاکیزه نگاه داشت، آخرت را آبادان و زاد و توشه برای روز حرکت، هنگام حاجت و جایگاه نیازمندی، آماده ساخت، و آن را برای اقامتگاه خویش، پیشاپیش فرستاد. ای بندگان خدا! برای هماهنگی با اهداف آفرینش خود، از خدا پروا کنید، و آنچنان که شما را پرهیز داد از مخالفت و نافرمانی خدا بترسید، تا استحقاق وعده‌های خدا را پیدا کنید، و از بیم روز قیامت بر کنار باشید.

خطبه ۲۸- غفلت انسان‌ها از آخرت

آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن روز دشوار قیامت، اعمال نیکی انجام دهد؟ آگاه باشید! هم اکنون در روزگار آرزوهایید، که مرگ را در پی دارد، پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره‌مند خواهد شد، و مرگ او را زبانی نمی‌رساند، و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ کوتاهی کند، زیانکار و مرگ او زیانبار است، همانگونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای خدا عمل می‌کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید. آگاه باشید! هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند، و نه مانند آتش جهنم، که فراریان آن چنین در خواب فروورفته باشند.